

اول زندگی کودک را شاخص شکل گیری شخصیت آینده فرد به حساب می آورند.

روانشناسان و جامعه شناسانی که بیشترین اهمیت تربیت را معطوف به این سنین می کنند در واقع مسأله اهمیت تعدیل در رفتار و اهمیت آگاهی یا آنچه را که به «من» یا «خود» تعبیر می کنند فراموش کرده و نقش مؤثر آن در رفتار و چگونگی کنترل آن را نادیده گرفته اند.

خوشبختانه پاره ای از دیدگاههای اخیر در زمینه مسائل تربیتی و روانشناسی جدید بکلی درباره نظریه یاد شده تردید کرده و بر اهمیت مسأله آگاهی و تجربیات دوران پس از کودکی تأکید فراوانی می کنند؛ بدون اینکه اهمیت دوران کودکی و طفولیت را نفی کند.

دیدگاه اسلامی در این زمینه تفسیر و تعبیر معینی دارد؛ آنجا که تا اندازه ای بر اهمیت دوران خردسالی تأکید می کند ولی بیشترین تأکیدهای خود را به دوران کودکی دوم (دوره دبستان) معطوف می دارد و اساساً مرحله کودکی اول را دوران «بازی» نام گذاری می کند.
هفت سال اول، دوران بازی

نامگذاری هفت سال اول زندگی کودک به نام «بازی» به نوعی نفی کننده اهمیت و اعتبار اغراق آمیزی است که امروزه نسبت به این دوران اطلاق می شود. تأکید برمسأله بازی حاکی از عدم توانایی طفل در کسب مفاهیم شناختی گسترده بطور مستمر و پیوسته است چرا که اساساً رشد عقلی کودک هیچ گونه سازگاری با فشارها و روشهای خشک آموزشی و تربیتی ندارد. بنابراین شاعر مقدس، با دقت نظر تمام، از این مرحله به نام بازی و نه نامی دیگر یاد کرده که شاخص اصلی آن به شمار می رود.

در این خصوص، احادیث زیر قابل توجه هستند.

۱ - دَعِ الْبَنِكَ بَلْعَبَ سَبْعِ سِنِينَ وَ

روانشناسی کودک از نگاه احادیث اسلامی

دکتر عبدالرؤف عبدالغفور
ترجمه: قاسم کریمی

قسمت اول

اهمیت دوران خردسالی

شش یا هفت سال اول زندگی کودک با عنوان دوران کودکی اول یا خردسالی شناخته می شود. روانشناسان برای این دوران اهمیت بسیار زیادی قائلند و گاهی هم در این زمینه به اغراق و غلو کشیده شده اند بطوری که رفتار آینده فرد را مرهون چگونگی شکل گیری شخصیت او در این دوران قلمداد می کنند.

در واقع روانشناسی کنونی در این زمینه دچار یک خطای علمی قابل توجهی است بخصوص آنجا که ماههای اول یا دو سال

يُؤَدَّبُ سَبْعَ سِنِينَ وَالزَّيْمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ.^۱

بگذار فرزندت هفت سال بازی کند و هفت سال ادب شود. هفت سال هم او را با خویش همراه کن.

۲ - ذَعِ اِيْنِكَ يَلْعَبُ سَبْعَ سِنِينَ وَ اَلزَّيْمَةُ نَفْسَكَ سَبْعَ سِنِينَ...^۲

۳ - اَلغلامُ مَلْعَبٌ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ سَبْعَ سِنِينَ وَيَتَعَلَّمُ اَلْحَلَالَ وَ اَلْحَرَامَ سَبْعَ سِنِينَ^۳

پسر هفت سال بازی می کند و هفت سال فرامی گیرد و هفت سال حلال و حرام را یاد می گیرد. این احادیث سه گانه به صراحت بیان می کنند که هفت سال اول زندگی، دوران بازی است، و هفت سال دوم، دوران آماده سازی و تمرین تربیتی و هفت سال دیگر، دوران الزام به انجام اعمال از پیش تعیین شده می باشد.

هر چند که باید بطور جداگانه درباره دوران کودکی دوم و نیز مرحله بلوغ به بررسی پرداخت، اما در اینجا موضوع مورد نظر ما اطلاق کلمه یا تعبیر پانزده بازی به مرحله خردسالی و تأکید قابل توجهی است که متون اسلامی نسبت به این پدیده و اختلاف نظر اساسی با دیدگاههایی که این دوران با مهمترین دوران شکل گیری شخصیت و رفتار افراد می دانند، می باشد.

تأکید بر مسأله بازی در این مرحله، هرگز به معنای نفی روند تربیتی نیست با توجه به این حدیث می توانیم مسأله بازی در اولین هفت سال زندگی و خودداری از فشارهای تعلیمی و تربیتی را روشن تر کنیم:

اَلْوَلَدُ سَبِيْدٌ سَبْعَ سِنِيْنَ وَعَبِيْدٌ سَبْعَ سِنِيْنَ...^۴ فرزند، هفت سال آقا است

و هفت سال بنده است... در عین حال، شرع مقدس اسلامی این مرحله را خالی از آماده سازی تربیتی نمی داند بطوری که پاره ای دستورات جزئی اسلامی، درست همپای

مراحل رشد عقلی و جسمی کودک می باشد. اینجاست که با پاره ای نصوص اسلامی مواجه می شویم که مراحل مختلف دوره خردسالی را گوشزد می کند و بدون اینکه فشار زیادی به طفل وارد کند، متناسب با آن شرایط سنی، دستورات خاصی صادر کرده است.

پیامبر اسلام، هفت سال اول زندگی را به دوران «سیادت» یا آقایی و هفت سال دوم را به عنوان بندگی نامگذاری کرده است. مقصود حضرت رسول از اطلاق کلمه «سید» این است که کودک نمی تواند در این دوران تحت اوامر دیگران قرار گیرد بلکه از خودش سیادت می کند، فرمان می دهد، درخواست می کند و خلاصه می خواهد که دیگران تحت فرمان او باشند. شرایط سنی کودک، در این دوران به گونه ای است که نمی تواند تحت آموزش، توجیه و فشارهای تربیتی قرار گیرد بلکه بیشتر به فعالیتهای آزاد و مختار؛ بطوری که تحت هیچگونه قید و تأکیدی قرار نگیرد متمایل است. در واقع می توان گفت روح بازی، همین است.

هفت سال دوم زندگی از سوی پیامبر گرامی نام «عبد را به خود گرفته است، عبد کسی است که تحت فرمان قرار می گیرد، دستورات را قبول می کند و توانایی این را دارد که آنها را به مورد اجرا بگذارد به عبارت دیگر یعنی او آماده است که تحت برنامه های تعلیمی و تربیتی قرار گیرد.

بطور کلی باید گفت احادیث، دوران خردسالی را نیز خالی از برنامه های تربیتی فرض نکرده اند ولی یک چارچوب کلی برای آن ترسیم نموده اند به نام بازی که هرگونه تحمیل و فشار را در روند رشد، مورد اعتراض قرار می دهد.

مراحل رشد عقلی

از ۳ تا ۶ سالگی

حدیثی که هم اکنون به ذکر آن خواهیم پرداخت نه تنها اهمیت آماده سازی تربیتی



* تأکید بر مسأله بازی حاکی از عدم توانایی طفل در کسب مفاهیم شناختی گسترده بطور مستمر و پیوسته است چرا که اساساً رشد عقلی کودک هیچ گونه سازگاری با فشارها و روشهای خشک آموزشی و تربیتی ندارد.

در دوران خردسالی را گوشزد می کند بلکه به یک نکته مهم تربیتی اشاره می نماید که عبارت است از: مراحل رشد عقلی کودک. این نکته مهمی است که روانشناسی کودک به تازگی نسبت به آن تأکید می کند و در این زمینه آرا و عقاید مختلف را عرضه کرده است. این حدیث که یک برنامه تربیتی چند ساله را ترسیم می کند، سالهای اول زندگی کودک را به هفت مرحله تقسیم می کند و از خلال آن منحنی رشد عقلی یا شناختی کودک را ارائه می نماید. مراحل هفتگانه، تربیتی در فاصله ۳ تا ۶ سالگی در کلام حضرت امام صادق (ع) چنین آمده است:

(مرحله اول) إِذَا بَلَغَ الْغُلَامُ ثَلَاثَ سِنِينَ، يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَاتٍ: لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ.

وقتی کودک سه ساله شد هفت بار به او گفته می شود: لا اله الا الله.

(مرحله دوم) وَبِتَرْكِ حَتَّى يُتِمَّ لَهُ ثَلَاثَ سِنِينَ وَسَبْعَ أَشْهُرٍ وَعِشْرُونَ يَوْمًا يُقَالُ لَهُ قُلُّ مُحَمَّدٍ رَسُولُ اللَّهِ، سَبْعَ مَرَاتٍ.

تا ۳ سال و هفت ماه و بیست روز در اختیار خود می ماند و آنگاه هفت بار به او گفته می شود محمد (ص) پیامبر خداست.

(مرحله سوم) وَبِتَرْكِ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ أَرْبَعُ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ سَبْعَ مَرَاتٍ: اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ.

تا چهار سالگی در اختیار خود می ماند و آنگاه به او هفت بار گفته می شود: خدایا به محمد و آلش درود فرست.

(مرحله چهارم) ثُمَّ بِتَرْكِ حَتَّى يُتِمَّ لَهُ خَمْسَ سِنِينَ ثُمَّ يُقَالُ لَهُ: أَيُّهَا بَمِينُكَ وَأَيُّهَا شِمَالُكَ، قَاءَ ذَاعَرَفَ ذَلِكَ حَوْلَ وَجْهِهِ إِلَى الْقِبْلَةِ وَيُقَالُ لَهُ: أَسْجُدْ.

سپس تا سن ۵ سالگی در اختیار خود می ماند و آنگاه به او گفته می شود: دست راست و چپ تو کدام است؟ اگر پاسخ صحیح داد، روی او را به سوی قبله برگردانید و به او بگویند که در مقابل خداوند سجده کند.

(مرحله پنجم) ثُمَّ بِتَرْكِ لَهُ سِتَّ سِنِينَ. فَإِذَا تَمَّ لَهُ سِتَّ سِنِينَ، صَلَّى وَغَلَّمَ الرُّكُوعَ وَأَسْجُدَ حَتَّى يَتِمَّ لَهُ سَبْعَ سِنِينَ.

سپس تا ۶ سالگی رها می شود و هرگاه شش سال او تمام شد، نماز بخواند و رکوع و سجود به او آموخته شود تا اینکه هفت سال او تمام شود.

(مرحله ششم) فَإِذَا تَمَّ لَهُ سَبْعَ قَبِيلَ لَهُ: أَعْبِلْ وَجْهَكَ وَكَفْيَكَ فَإِذَا غَسَلْتَهُمَا قَبِيلَ لَهُ صَلَّى حَتَّى يَتِمَّ لَهُ تِسْعَ.

وقتی نه سال او تمام شده به او گفته می شود: صورت و دستهایت را بشوی و آنگاه به او گفته می شود نماز بگذار.

(مرحله هفتم) فَإِذَا تَمَّتْ، غَلَّمَ الوُصْفَ، وَضَرَبَ عَلَيْهِ وَغَلَّمَ الصَّلَاةَ وَ

ضَرْبَ عَلَيْهَا. ۵

هرگاه نه سالگی به پایان رسید، وضو نماز به او آموخته می شود و در صورت تخطی از آن، مورد تنبیه قرار می گیرد.

این حدیث، یک سند تربیتی است که در بر گیرنده مراحل رشد عقلی در دوران کودکی است. پرواضح است که دسته بندی و تفکیک این مراحل، نتایج بسیار مهمی را از نظر آموزش در بر دارد بطوری که می توان تعلیم را متناسب با رشد شناختی و جسمی کودک پیش برد.

قبل از هر چیز باید به دو نکته اساسی در این حدیث توجه داشت؛ اول: توجه به عباراتی که حدیث، آنها را بکار گرفته است. دوم: توجه به افعال و کارهایی که حدیث، کودک را وادار به انجام آن می کند. ملاحظه می شود که این حدیث، گفتار و کردار عبادی را مورد توجه قرار داده است به عبارت روشن تر، نسبت به نماز و مقدمات آن تأکید ورزیده است.

*** هفت سال اول زندگی، دوران بازی است، و هفت سال دوم، دوران آماده‌سازی و تمرین تربیتی و هفت سال دیگر، دوران الزام به انجام اعمال از پیش تعیین شده می‌باشد.**



می‌شود و به طفل دستور داده می‌شود که بگوید: محمد رسول الله. تحول ادراک تصویری در این دوره به این معنی است که کودک می‌تواند میان دو پدیده غیر ملموس ارتباط تصویری و ذهنی برقرار کند. در حالیکه پیش از این فقط می‌توانست بین دو پدیده که یکی از آنها حسی و متکی به دریافت‌های سه سال اول زندگی و دیگری انتزاعی یعنی توجه به مفهوم «الله» ارتباط برقرار کند.

به عبارت دیگر، طرفین ادراک در مرحله اول عبارت بود از: «حسی + انتزاعی» اما در مرحله دیگر، عبارت است از: «انتزاعی + انتزاعی» چرا که هم مفهوم الله یک مسأله انتزاعی و غیر ملموس است و هم عبارت «محمد» یک مفهوم انتزاعی است چرا که مسأله تأکید بر نام حضرت رسول (ص) در این عبارت پیش از آنکه ناظر بر شخص ایشان باشد، مسأله رسالت الهی ایشان را مورد توجه قرار می‌دهد. بنابراین مسأله رسالت یک امر حسی نیست و در ذهن کودک به صورت یک مسأله انتزاعی، تصویری و رمزی قابل درک است ■

می‌سازد. دقت در عبارت لا اله الا الله نشان دهنده نوعی از تفکر تصویری یا تخیلی یا رمزی است. حال که کودک از مرز ادراک حسی گذشته، عبارتی به او آموزش داده می‌شود که خارج از چارچوب ظواهر قابل لمس در محیط اطراف اوست و اساساً خارج از حس شنیداری یا دیداری یا لامسه است و مشتمل بر ادراک پاره‌ای روابط میان پدیده‌های ملموس مکانی و پاره‌ای لحظه‌ها مانند حال، گذشته طفل و آینده اوست.

ادراک این روابط به وضوح در عبارت لا اله الا الله وجود دارد چرا که از طرفی به موجودات معینی و محسوس می‌پردازد که کودک نسبت به آنها آشنایی دارد و از سوی دیگر یک وجود غیر ملموس را که کودک نسبت به آن تجربه‌ای ندارد و غیر ملموس است مورد تأکید قرار می‌دهد.

با گذشت چند ماه و هفته و روز، به نظر می‌رسد که کودک به یک مرحله جدید دست یافته است یعنی با گذشتن ۲۳۰ روز ادراک تصویری او به گونه‌ای تحول می‌یابد که می‌تواند ارتباط بین خداوند و پیامبرش را درک کند. و این بنا بر تصریح حدیث، در سن سه سال و هفت ماه و بیست روز حاصل

این حدیث سه سال اول زندگی را بدون هیچ تمرین و آموزشی رها کرده است و سه سالگی را به عنوان زمان آغاز «آموزش» قلمداد نموده است. این بدان معنی است که سه سال اول زندگی کودک برای آموختن، مناسب نیست چرا که آموزش محتاج مقداری از توانایی عقلی و شناختی است. ولی با پایان یافتن سه سالگی مرحله رشد کودک که او را برای یادگیری آماده می‌سازد، شروع می‌گردد.

روانشناسی امروز، این دوران را به نام گذرا از «ادراک حسی» به «مرحله ادراک تخیلی یا تصویری» معرفی می‌کند و در ضمن، نسبت به تفاوت‌های فردی میان کودکان نیز در این زمینه تأکید می‌ورزد.

دیدگاه اسلامی نیز به همین دوران انتقال دقت نظر داشته و سه سالگی را آغاز آموزش تصویری به شمار آورده و با تأکید آموزش عبارت لا اله الا الله به کودک، اذعان خود را نسبت به این امر آشکار

پی‌نوشتها:

- ۱ - وسائل الشیعه، باب ۸۳، حدیث ۴
- ۲ - همان، باب ۸۲، حدیث ۱
- ۳ - همان، باب ۸۳، حدیث ۱
- ۴ - همان، باب ۸۳، حدیث ۷
- ۵ - همان، باب ۸۲، حدیث ۳